

چیستی و پیوند قرآن، عرفان و برهان

روح الله —وے



چیستی و پیوند قرآن، برهان و عرفان

روح الله سوری

نشر پژوهشکده ادیب فقه جواهری

چاپ اول / زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چایخانه ادیب فقه جواهری



نشر پژوهشکده ادیب فقه جواهری

قم، مخ معلم، مجتمع ناشران، ط ۲، واحد ۲۱۳

www.arabadib.ir

09197459063

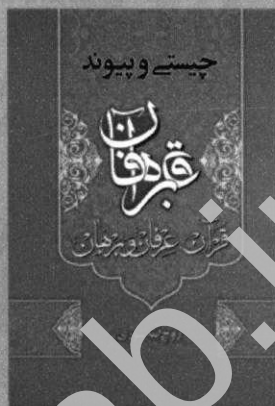


مرکز بخش کتابگاه

قادران شهدا، مخ حجیه،

پلاک ۱۳، ۴۹، ۴۸، ۲۵۳۷

www.basim.com/ketabeadib



چیستی و پیوند

قرآن

عرفان و برهان

سرشناسه: سوری، روح الله - ۱-

عنوان: چیستی و پیوند قرآن، عرفان و برهان

نام پدیدآور: روح الله سوری

مشخصات نشر:

قم: پژوهشکده ادیب فقه جواهری، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۶۰۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۸۸-۸-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۵۷۶

موضوع: عرفان و فلسفه

Mysticism and philosophy*

موضوع: عرفان -- جنبه‌های قرآنی

Mysticism -- Qur'anic teaching

موضوع: قرآن و عقل

Qur'an and reason

رده بندی کنگره: ۲۸۴/۵BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۴۹۵۷۰

فهرست

۱۹.....	درآمد
۱۹.....	تیین مسئله
۲۱.....	تاریخچه مسئله
۲۵.....	پیشینه مسئله
۲۷.....	سپاس

بخش اول: تبیین مبادی تصویری

۳۳.....	فصل اول: چیستی دین، عرفان و فلسفه
۳۳.....	گفتار اول: چیستی دین
۳۳.....	مراد از واژه دین
۳۴.....	چیستی حقیقت دین
۳۶.....	رابطه آیات و روایات
۳۹.....	قرآن، کل حقیقت و هدایت
۴۱.....	رابطه نقل و وحی
۴۶.....	هدایت عمومی قرآن
۵۰.....	گفتار دوم: چیستی عرفان

۵۰	عرفان عملی و نظری
۵۴	موضوع، تعریف و مسائل عرفان نظری
۵۶	عرفان‌های کاذب
۵۹	فهم متن عرفانی
۶۱	گفتار سوم: چِستی فلسفه
۶۱	اسان و تفسیر جهان
۶۳	تفکر و پرسش از خدا
۶۵	مطلق و ازنمایی تفکر
۶۷	شکل‌گیری فلسفه
۶۹	تعریف فلسفه
۷۳	فلسفه در غرب و اسلام
۷۵	روش‌های فلسفی در اسلام
۷۸	گفتار چهارم: چِستی پیوند طولی
۸۳	فصل دوم: روش‌های کسب معرفت
۸۳	گفتار اول: عقل و معرفت عقلانی
۸۳	سیر آدمی از نطفه تا عقل
۸۵	چِستی عقل
۸۹	مراحل استکمال عقل
۹۱	معقولات ثانوی و پیدایش فلسفه
۹۶	تقسیم عقل به جهت ماده فکر

۹۸	 تنگناهای عقل
۱۰۱	 گفتار دوم: قلب و معرفت شهودی
۱۰۸	 چیستی قلب
۱۰۸	 شکوفایی قلب
۱۱۶	 چیستی علم شهودی
۱۲۲	 تحقیق علم شهودی
۱۲۴	 تفاوت علم شهودی و حصولی
۱۲۹	 اقسام شهود
۱۳۳	 شهود، حیوانی و شیطانی
۱۴۷	 میزان شهود
۱۴۷	 سه پرسش اساسی پیرامون کشف و شهود
۱۵۰	 پرسش نخست: تناقض مکاشفات
۱۵۴	 پرسش دوم: کافی نبودن عدم مخالفت
۱۵۶	 پرسش سوم: حجیت شهود برای دیگران
۱۶۱	 قلب و معرفت الهی
۱۶۱	 گفتار سوم: وحی و معرفت و حیانی
۱۶۳	 نیاز انسان به وحی
۱۶۸	 چیستی وحی
۱۷۴	 تلبس معنای و حیانی به الفاظ
۱۷۷	 خطاناپذیری وحی

مراتب وحی و نبوت ۱۷۷

بخش دوم: پیوند طولی عرفان و برهان

فصل اول: تبیین مدعا ۱۸۱

گفتار اول: تفاوت نزاع «عقل و دل» و نزاع «عقل و عشق» ۱۸۱

گفتار دوم: تبیین نزاع عقل و دل و پاسخ آن ۱۸۲

گفتار سوم: اشاره‌ای به نزاع عقل و عشق ۱۹۲

فصل دوم: اثبات مدعا ۱۹۵

دلیل نخست ۱۹۵

تبیین مقدمات ۱۹۵

دلیل دوم ۲۰۰

تبیین مقدمات ۲۰۱

فصل سوم: بررسی شبهات ۲۰۹

گفتار اول: بررسی نقدهای برخی عارفان به روش عقلی ۲۰۹

نادرستی روش قیاسی ۲۱۱

سکوت عقل و سخن شهود در برخی موضوعات ۲۱۴

مخالفت محتوای شهودی با محتوای استدلالی ۲۱۵

شدت محتوای شهودی و بی‌نیازی از استدلال عقلی ۲۱۶

گفتار دوم: بررسی نقدهای برخی فیلسوفان به روش شهودی ۲۱۸

بررسی ادعاهای جهره صوفیه ۲۱۹

۲۲۳	شطحات تناقض نما
۲۲۷	عقل ستیزی عرفان
۲۲۷	بررسی مسئله وحدت وجود از نگاه عقل
۲۳۴	بررسی مسئله فنا از دیدگاه عقل
۲۳۷	فصل چهارم: نتایج بحث
۲۳۷	دستار اول: عقل پذیری عرفان
۲۳۹	گفتار دوم: معنای صحیح نزاع عقل و دل
۲۳۹	نکوشش بی توجهی به عرفان عملی
۲۴۰	نکوشش عقل جبر
۲۴۱	نکوشش توقف در محدوده عقل
۲۴۲	نکوشش نظام فلسفی مسلمانان
۲۴۴	گفتار سوم: حکمت متعالیه، عرفان مُکَرَّم
	بخش سوم: پیوند فلهی و آن و برهان
۲۵۹	فصل اول: تبیین مدعا
۲۵۹	گفتار اول: توهم تقابل عقل و وحی
۲۶۰	گفتار دوم: لزوم تمایز وحی و نقل
۲۶۱	گفتار سوم: عقل، همتای نقل و مفسر وحی
۲۶۶	گفتار چهارم: همیاری عقل و نقل
۲۶۸	گفتار پنجم: عقل کاشف وحی، نه شارع و نه میزان آن

فصل دوم: اثبات مدعا ۲۷۱

گفتار اول: دلیل عقلی ۲۷۱

تبیین مقدمات: ۲۷۲

گفتار دوم: دلیل‌های نقلی قرآنی ۲۷۶

پی‌گیری واژه‌های «عقل» و «فکر» در قرآن ۲۷۶

دستور به پیروی قول احسن ۲۸۱

روشن‌مای دعوت به خدا ۲۸۲

آیات تعقل و تفکر ۲۸۵

آیات دلیل محور ۲۸۸

۳-۲-۶. موازین مصطفی در قرآن ۲۹۲

گفتار سوم: دلیل‌های نقلی روایی ۲۹۵

پی‌گیری واژه‌های «عقل» و «فکر» در روایات ۲۹۵

عقل، حجت باطنی ۳۰۰

دستور به حق‌محوری ۳۰۲

روش الهی کشف حقیقت ۳۰۶

اطلاق روایات وجوب و فضیلت تحصیل علم ۳۰۸

روایات دلیل محور ۳۱۰

عقل میزان تشخیص نقل صحیح ۳۱۶

اقوام مُتَعَمِّق ۳۱۷

ستایش فلسفه و فلاسفه در برخی روایات ۳۲۰

فصل سوم: بررسی شبهات	۳۲۵
گفتار اول: معرفی اجمالی مکتب تفکیک	۳۲۶
گفتار دوم: پاسخ به شبهات مکتب تفکیک	۳۳۹
اهداف سوء خلفاء از ترجمه فلسفه یونانی	۳۴۱
مغالطه خلط انگیزه و انگیزه خسته	۳۴۳
دلیل، اخص از مدعا	۳۴۴
نزدیکی فلسفه به علوم اهل بیت	۳۴۴
ترجمه فلسفه سبب گرایش به علوم اهل بیت	۳۴۵
بی‌باکی حق از مناظره	۳۴۷
ترجمه فلسفه ر ضربه به اسلام	۳۴۸
سبب مهجوری اهل بیت	۳۴۸
اسلامی بودن فلسفه کورنی	۳۴۹
حکمای یونان، اندیشمندان الهی	۳۵۰
مخالفت انمه و اصحاب ایشان با فلسفه	۳۵۰
دو روایت ضد فلسفی	۳۵۰
بررسی روایت نخست	۳۵۲
بررسی روایت دوم	۳۵۴
روایات مؤید فلسفه	۳۵۵
یگانگی روش قرآن و فلسفه در مباحث اعتقادی	۳۵۶
سخن علامه طباطبایی	۳۵۷

- ۳۵۹ بررسی مخالفت یاران ائمه با فلاسفه
- ۳۵۹ مخالفت بسیاری از فقیهان و محدثان با فلسفه
- ۳۶۰ موافقت برخی فقها با فلسفه
- ۳۶۱ کلام بزرگان و ملاک حقانیت
- ۳۶۱ توقف تکذیب بر تصور
- ۳۶۵ دیدگاه شیخ صدوق، شیخ مفید و علامه حلی
- ۳۶۷ نقادی به علامه مجلسی
- ۳۶۸ توبه برخی فلاسفه
- ۳۶۸ بررسی دیدگاه غزالی
- ۳۶۹ ریشه شک غزالی
- ۳۷۰ پاسخ شک غزالی
- ۳۷۲ شک فراگیر
- ۳۷۲ شهود بالاتر از عقل
- ۳۷۳ بررسی دیدگاه شیخ بهایی
- ۳۷۳ توجه به جمله شرطیه
- ۳۷۴ نگاه جامع‌نگر
- ۳۷۴ خوب و خوب‌تر
- ۳۷۵ بررسی دیدگاه ملاصدرا
- ۳۷۶ تقدم وحی بر عقل
- ۳۷۷ ادامه روند فلسفی

۳۷۸	تفاوت خطای سالک و مسلک
۳۷۸	فراگیری فلسفه و فهم عمیق‌تر قرآن
۳۷۹	بررسی دیدگاه فیض کاشانی
۳۸۲	شخصیت علمی فیض کاشانی
۳۸۳	توجه به جمله شرطیه
۳۸۳	فیلسوف‌نماهای دنیا طلب
۳۸۳	بیگانگی دین با اصطلاحات فلسفه و عرفان
۳۸۶	نگاه هشتم: لعن
۳۸۷	تنگناهای عقل
۳۸۷	بررسی دیدگاه امام خمینی
۳۸۸	معنای حجاب اکبر
۳۹۰	توجه به جمله شرطیه
۳۹۰	نگاه جامع‌نگر
۳۹۲	تواضع در بیان
۳۹۲	بررسی دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی
۳۹۳	دور باطل
۳۹۴	میزان کشف
۳۹۴	مصادره به مطلوب
۳۹۵	شبهه‌ای رایج
۳۹۶	اشکال‌هایی به روش فلسفه، در کسب معرفت

توقف برهان بر علیت	۳۹۹
نیازمندی تصدیق و تکذیب یک باور به برهان	۴۰۰
استفاده از برهان در رد برهان	۴۰۰
بررسی قاعده سنخیت	۴۰۱
انکار برهان، خیانتی به دین	۴۰۲
انسداد راه بحث	۴۰۲
خطاب‌بری بقین حصولی	۴۰۳
احتمال پهل مرکب	۴۰۴
اختلاف نظر دانشمندان	۴۰۶
تفاوت خطای سالک و مسلک	۴۰۷
استدلال ابلیس، قیاسی نادرست	۴۰۹
بدهات برخی قواعد منطقی	۴۰۹
ناگزیر بودن استفاده از مفاهیم	۴۱۰
رابطه دین و منطق	۴۱۰
یادآوری تنگناهای عقل و لزوم مراجعه به وحی	۴۱۳
کارآمدی عقل	۴۱۴
همتایی عقل و نقل	۴۱۵
نفی عقل، مساوی نفی دین	۴۱۷
منع کاوش‌های فلسفی و کژفهمی نقل	۴۱۸
جمع‌پذیری عقل و دین	۴۱۹

بی نیازی از فلسفه، در فهم متون دینی	۴۲۰
ناآشنایی سبب سردرگمی	۴۲۱
نیازمندی تفکر به قواعد منطقی	۴۲۵
اجتناب ناپذیری تعقل فلسفی	۴۲۷
بررسی قوام عقلی دین	۴۲۸
جایگاه فلسفه در هندسه دین	۴۲۸
ناویل گری فلاسفه، در باب متون دینی	۴۲۸
گفتار سوم: بررسی شگردهای شبهه پراکنی	۴۳۱
برخورد نقضی	۴۳۳
مسلسل شبهات	۴۳۳
فصل چهارم: نتایج بحث	۴۳۹
گفتار اول: تحقق فلسفه اسلامی	۴۴۵
گفتار دوم: تفسیر قرآن با برهان	۴۴۵
بخش چهارم: پیوند طول قرآن و عرفان	
فصل اول: تبیین مدعا	۴۴۵
گفتار دوم: پیوند عرفان نظری با وحی	۴۵۲
گفتار سوم: عرفان نظری و مکتب اهل بیت	۴۵۴
گفتار چهارم: رابطه عرفان و نقل	۴۶۱
فصل دوم: اثبات مدعا	۴۶۵

گفتار اول: دلیل های عقلی	۴۶۵
دلیل نخست	۴۶۵
تبیین مقدمات	۴۶۶
دلیل دوم	۴۶۷
تبیین مقدمات	۴۶۸
گفتار دوم: دلیل های نقلی قرآنی	۴۶۹
آیه نور	۴۷۰
آیات حصر	۴۷۳
گفتار سوم: دلیل های نقلی روایی	۴۸۰
دعای کمیل	۴۸۱
فراز پایانی دعای عرفه	۴۸۴
مناجات خمس عشر	۴۹۴
مناجات شعبانیه	۴۹۷
جوان به یقین رسیده	۵۰۱
حدیث آینه	۵۰۴
حدیث قرب نوافل	۵۰۸
حدیث حقیقت	۵۱۰
فصل سوم: بررسی شبهات	۵۱۷
گفتار اول: بررسی روایات ناظر به تصوف و عرفان	۵۱۹
تمایز لطیف تصوف و عرفان	۵۱۹

بررسی روایات ضد تصوف	۵۲۱
روایات آخرالزمان	۵۲۱
نفی رهبانیت	۵۲۴
روایات کتاب «حدیقة الشیعة»	۵۲۵
الف) ضعف سندی	۵۲۸
ب) دلیل اخص از مدعا	۵۲۸
ج) نویسنده «حدیقة الشیعة»	۵۲۹
نکته پایانی	۵۳۶
گفتار دوم: تاویل گری عرفان در باب متون دینی	۵۳۷
نقش تمایل های درونی در تفسیر	۵۳۷
چیستی تاویل	۵۳۹
جواز و ضرورت تاویل	۵۴۲
عدم انحصار تاویل به اهل بیت	۵۴۴
مسئله حجیت ظواهر	۵۴۶
وضع الفاظ برای روح معانی	۵۴۹
فصل چهارم: نتایج بحث	۵۵۵
گفتار اول: تفسیر قرآن با عرفان	۵۵۵
گفتار دوم: تحقق عرفان اسلامی	۵۵۶
گفتار سوم: واژه دینی حکمت	۵۵۷
جمع بندی	۵۶۷

۵۶۷ خلاصه مباحث

۵۷۲ سخن نهایی

۵۷۶ فهرست منابع

درآمد

تبیین مسئله

هر پژوهشگر علوم عقلی در روند آموزش و پژوهش خویش، ناگزیر با این پرسش روبه‌رو می‌شود که آیا تنافی ظاهری بین گزاره‌های دینی، عرفانی و فلسفی پس از تحقیق و بررسی کنار خواهد رفت، یا استحکام بیشتری خواهد یافت؟ در پاسخ این پرسش، گستره وسیعی از دیدگاه‌ها وجود دارد. یک سوی این طیف عرفان و برهان را ضد دین و کفرآمیز می‌خواند و طرف دیگر آن دورا تفسیر انفسی دین و در طول آن می‌داند.

البته رابطه عرفان و فلسفه نیز خود مایه اختلاف نظر است. برخی به بهانه راه دل، منکر روش عقلی هستند و دستیابی به مباحث را سبب بی‌نیازی از برهان می‌دانند. برخی نیز به بهانه برهان‌ستیز بودن شریعت، آن را در برابر عقل خوانده و انکار می‌کنند. این طیف وسیع از دیدگاه‌ها سبب حیرت و سردرگمی بسیاری از دانش‌پژوهان و پژوهش‌گران شده است. برخی را به تردید و انکار فلسفه و عرفان وادار کرده و گروهی را به انکار دین کشانیده است. در این میان چه نزاع‌ها که در نگرفت و چه تکفیرها که صادر نشد. به نظر می‌رسد نداشتن یک تصور دقیق از دین، عرفان و فلسفه سبب اصلی

همه این تقابل‌ها است. این نزاع فرسایشی، سال‌های درازی از عمر علم را تلف کرده و توان پژوهش‌گران بسیاری را هدر داده است. اگر ثابت شود که دین، عرفان و فلسفه سه طیف از نوری واحدند، این نزاع برای همیشه پایان خواهد یافت. هم‌افزایی این سه روش، نتایج درخشانی برای عالم علم خواهد داشت و زمینه‌ساز جهش‌های علمی فراوانی خواهد شد.

کتاب پیش رو، نتیجه پژوهشی فراگیر در موضوعی پرچالش یاد شده است، و به پرسش‌های بنیادین نبل پاسخ می‌دهد: رابطه‌ی گزاره‌های دینی، عرفانی و فلسفی چیست؟ آیا اختلاف روشی این سه، لزوماً به اختلاف در محتوا نیز می‌انجامد؟ آیا این سه روش مجزا از یکدیگر تطبیق‌ناپذیر هستند؟ یا سه طیف از یک نور واحدند و همگی هدف واحدی را پی می‌گیرند؟ در پاسخ پرسش‌های یاد شده گروهی به تفکیک گرویده‌اند اما صاحب نظران برآنند که دین، عرفان و فلسفه از هم جدایی ندارند. «عرفان» از راه شهود و «فلسفه» از راه عقل، اگر درست و طبق موازین حرکت کنند، جز به حقیقت نخواهند رسید. حقیقتی که «وحی» با روش فوق بشری خود بدان دست یافته و در قالب «قل» از آن سخن می‌گوید. از این رو فلسفه حقیقی و عرفان ناب، علومی اسلامی هستند که تنها مفتاح ورود به دین، که مصباح تفسیر و تبیین گزاره‌های دینی نیز خواهند بود.^۱

۱. البته منظومه دین، احکام، اخلاق و عقاید را فرا می‌گیرد اما هدف اصلی این تحقیق اثبات هم‌نوایی عرفان و برهان و دین، در ساحت عقاید است. به این معنی که عرفان و برهان، در کنار نقل، روش‌های کشف وحی هستند.

تاریخچه مسئله

اندیشه یگانگی معارف برآمده از وحی با معارف عقلی و قلبی قدمتی به درازای تاریخ تفکر بشر دارد. چنان که به اعتقاد برخی محققان، اولین حکمای تاریخ، خود انبیای الهی و یا از شاگردان ایشان بوده‌اند. دیلمی در محبوب القلوب از پیامبر خاتم النبیین^۱ چنین نقل می‌کند: «إن أرسطاطاليس كان نبيا فجهد قومه». ^۱ سید بن طاوس در تأیید این روایت می‌گوید: «گفته شده ابرخس و بطليموس از انبيا بوده‌اند، و بیشتر حکما چنین‌اند، اما نام‌های یونانی ایشان موجب شد که امر نبوتشان بر مردم مُشْتَبِه شد». ^۲ با این همه گروهی از تفاوت روش‌های عقلی، شهودی و وحیانی، لزوم اختلاف محتوایی را نتیجه گرفتند. این امر سبب زاویه‌گیری محتوایی (افزون بر تفاوت روشی) مکاتب مشاء و اشراق و عرفان از یکدیگر و از دین شد. اما برخی ژرف‌نگران، به این مغالطه پی برده و در رفع آن همت گماشتند.

کندی (۱۸۵-۲۶۰ هـ.ق) نخستین فیلسوف مسلمان، خود از پیش‌گامان

۱. قطب‌الدین اشکوری، محبوب القلوب، ص ۱۴. ترجمه: (همانا ارسطو پیری بود که قومش او را شناختند).

۲. سید بن طاوس، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، ص ۱۵۱: «أبرخس و بطليموس، و يقال انهما كانا من بعض الانبياء و اكثر الحكماء كذلك و إنما إلتبس على الناس امرهم لعله أسمائهم باليونانية».

سازگاری دین و فلسفه بود و بحث توافق عقل و دین با کوشش‌های وی آغاز شد.^۱ در قرن سوم فارابی که پایه‌گذار فلسفه اسلامی خوانده می‌شود، کتاب «الجمع بین رایى الحکیمین» را نگاشت. او با گشایش زاویه دیگری از بحث، بین حکمت اشراق و مشاء جمع نمود. سپس بوعلی سینا در قرن چهارم کتاب «الاشارات و التنبیهات» را نگاشت و در سه نمط آخر آن مطالب ارزشمندی در نزدیک نمودن عرفان و برهان ارائه نمود، همچنین در کتاب داستانی خود «حی بن یقطان» این هدف را دنبال کرد.

نیمه دوم قرن چهارم، زمانی بود که شخصیتی به نام ابو حامد غزالی در عالم علم مطرح شد. از فلسفه را تنها با مطالعه شخصی و بدون استاد فراگرفت آن‌هم در مدتی کمتر از سه سال. شاید به همین سبب، فلسفه را در نیل به حقائق عالم، ناتوان دانست. روی به تصوف گذاشت. کتاب «تهافت الفلاسفه» وی، در واقع ردیه او بر فلسفه الهی است. پس از غزالی تنها منطق بود که محترم شمرده می‌شد، اما تحصیل فلسفه دیگر علوم عقلی جایز نبود.^۲

اندکی بعد در قرن پنجم، ابن رشد اندلسی پا به میدان گذاشت و کتاب‌های «فصل المقال فی ما بین الحکمة و الشریعة من الاتصال» و «تهافت التهافت» را در ردّ غزالی نگاشت. او با بیان این قاعده مهم که «حق با حق

۱. حسن معلمی و دیگران، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۱۹۳.

۳. همان، ص ۲۲۱.

تضاد ندارد، بلکه موافق و شاهد اوست»^۱ به تشریح پیوند عقل و دین پرداخت. به رغم تلاش‌های ابن رشد، به سبب هجمه‌های غزالی و در پی آن فخر رازی به فلسفه مشاء، فلسفه استدلالی صرف رو به نقصان نهاد و زمینه برای یک مکتب استدلالی - شهودی فراهم شد. در نیمه دوم قرن ششم، شهاب‌الدین سهروردی^۲ مشهور به شیخ اشراق، با معتبر شناختن معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی، حکمت اشراق را پایه‌ریزی کرد. در نظر او حکیم حقیقی کسی است که افزون بر امور استدلالی و عقلی، در امور الهی و ذوقی نیز کارگشته باشد.^۳ افزون بر فیلسوفان، برخی عارفان نیز در این راستا گام‌های بزرگی برداشتند همچون صائِن الدین ترکه در «تمهید القواعد» و محمد بن حمزه فنرای در «مصباح الانس».

قرن دهم، زمان بروز شخصیتی که بنابر به نام صدرالدین محمد شیرازی بود که بعدها به صدرالمتالهِین شهرت یافت. وی در آثار گران سنگ خود همچون «الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة» این اندیشه را به انجام

۱. ابن رشد اندلسی، فصل المقال فی ما بین الحکمة و الشریعة من الاتصال، ص ۳۵: «الحق لا یضاد الحق، بل یوافق و یشهد له».

۲. شایان یادآوری است که دو شخصیت با نام «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» در تاریخ موجود است که اولی استاد سعدی شیرازی و صاحب «عوارف المعارف» است که از متصوفه به شمار می‌رود. اما دومی مؤسس حکمت اشراق می‌باشد.

۳. شیخ شهاب‌الدین سهروردی، حکمة الاشراق، ص ۱۲.

رسانید. وی با تأنّیس فلسفه و عرفان از یک سو و تطبیق این دو با دین از سوی دیگر به این نزاع پایان داد. در واقع دستاورد ملاصدرا این بود که چهار جریان فکری کلام، فلسفه مشاء، فلسفه اشراق و عرفان را که تاکنون در برابر هم بودند به هم پیوند داد. اما مطلب مهم‌تر اینکه؛ این چهار را با دین نیز درآمیخت و نشان داد که نقل و عقل و قلب سه راه کشف حقیقت‌اند و در دامن وحی به هم می‌پیوندند. او مکتب خود را «حکمت متعالیه» نام نهاد. حکمت متعالیه یک روش التقاطی نیست، بلکه مکتبی منسجم و حقیقتی مستقل است که به سبب استحکام و برتری مبانی خود، موفق به آشتی جریان‌های فکری شد. این موفقیت، تا اندازه‌ای است که بیشتر اندیشمندان پس از ملاصدرا مانند ملاعلی نوری، ملاهادی سبزواری، علامه طباطبایی، علامه حسن‌زاده آملی این شیوه را پسندیده و ملاک کار علمی خویش قرار دادند.

با این همه نباید فراموش کرد که برخی عالمان دینی، پیوسته مخالف این نظر بوده و هستند. سردمدار این جریان، مکتب معرفت‌خواهان است که امروزه به «مکتب تفکیک» شهرت یافته است. ارکان اصلی این مکتب در دوران معاصر عبارتند از: میرزا مهدی غروی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ هـ.ق)، سیدموسی زربآبادی قزوینی (۱۲۹۴-۱۳۵۳ هـ.ق)، شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۱۸-۱۳۸۶ هـ.ق)، محمدرضا حکیمی و سیدجعفر سیدان. از این میان میرزا مهدی اصفهانی، به عنوان پایه‌گذار مکتب تفکیک شناخته می‌شود.^۱ فعالیت‌های

۱. سیدحسین اسلامی، رؤیای خلوص، ص ۲۸.

گسترده تفکیک‌گرایان در عصر کنونی سبب شد تا دوباره نزاع‌های تاریخی سر برآورد و شبه‌های قدیمی تکرار گردد. نگارنده این اثر نیز مانند بسیاری از علاقه‌مندان علوم عقلی، با شنیدن این سخنان شبهه‌آمیز، در پی پاسخ به آنها برآمده و همین امر انگیزه پژوهش و نگارش اثر پیش‌رو فراهم کرده است.

پیشینه مسئله

موضوع این پژوهش، مسئله‌ای سه ضلعی است که هم‌زمان رابطه دین، عرفان و فلسفه را بررسی کرده و پیوند طولی آنها را نتیجه می‌گیرد. خاستگاه این رویکرد روشی است که صدرالمتهلین در حکمت متعالیه پیش می‌گیرد. اما به جهت کم‌رنگ بودن مباحث روش‌شناسی در پیشینان، اثر جداگانه‌ای در تبیین و ترویج این روش ارائه نشده است. تا جایی که خود ملاصدرا نیز، تنها این روش را به کار بسته و اثر مستقلی درباره آن ننوشته است. علامه حسن‌زاده آملی نخستین کسی است که این مسئله را با اضلاع سه‌گانه آن مورد توجه قرار داد. ایشان با نگارش کتاب «قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند» به اختصار، افق‌نهایی و پیوند حقیقی سه روش معرفتی را ترسیم کرد. این اثر گرانسنگ، با الهام‌بخشی به بسیاری از پژوهش‌گران، پایه‌تعمیق‌کننده بر مسئله یاد شده و تولید پژوهش‌هایی جدید و تفصیلی در این باره گشته است.

نگارنده این سطور نیز با الهام از این اندیشه متعالی، پژوهش و نگارش کتاب پیش‌رو را آغاز کرده است.^۱ در واقع کتاب حاضر به بسط و تفصیل

۱. نگارش این اثر در سال ۱۳۹۲ پایان یافت، اما با در پیچ چاپ آن تاکنون به تعویق افتاد.

دیدگاه یاد شده می‌پردازد و تلاش می‌کند اندیشه تفکیک‌ناپذیری دین، عرفان و فلسفه را به مثابه یک دیدگاه مستقل در کانون توجه قرار دهد و مبانی، ادله، لوازم و شبهات پیرامون آن را، به گونه جداگانه بررسی کند. این همه از آن جهت است که با اثبات این نظریه، روش نوینی که ملاصدرا آن را به کار بست و استاد حسن‌زاده آملی مستقلاً بیان نمود، بار دیگر در کانون توجه قرار گیرد و در کسب معرفت پنجره جدیدی پیش‌روی اهل تحقیق و پژوهش گشاده شود.

چنان‌که کاشت تنها اثری که سه ضلع این مسئله را هم‌زمان بررسی می‌کند اثر استاد حسن‌زاده و کتاب پیش‌رو است. اما آثار دیگری نیز هستند که یک یا دو زاویه از مسئله را به تنهایی بررسی می‌کنند. چنان‌که تنها در جهت نزدیکی عرفان با دین، یا فلسفه با دین و یا فلسفه با عرفان می‌کوشند. برای نمونه می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

۱. «الجمع بین رأی الحکیمین»، اثر فارابی که تنها رابطه فلسفه مشاء و فلسفه اشراق را بررسی می‌کند.

۲. «فصل المقال فی ما بین الحکمة و الشریعة من الاتصال»، اثر ابن‌رشد اندلسی که تنها رابطه دین و فلسفه را بررسی می‌کند.

۳. «علی و الفلسفة الهیة»، اثر علامه طباطبائی که تنها رابطه دین و فلسفه را بررسی می‌نماید.

۴. «عرفان و حکمت متعالیه»، اثر استاد حسن‌زاده آملی که تنها رابطه عرفان و فلسفه را بررسی می‌نماید.

۵. «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، اثر استاد جوادی آملی که تنها رابطه دین و فلسفه را بررسی می‌نماید.

هم‌چنین در ابطال اندیشه تفکیک نیز آثاری نگاشته شده که به گونه سلبی یگانگی قرآن، عرفان و برهان را ثابت می‌کند؛ مانند:

۱. «نقدی بر تهافت الفلاسفه غزالی»،^۱ سیدجلال‌الدین آشتیانی.
۲. جلد سوم از کتاب «ماجرای فکر فلسفی»، غلام‌حسین دینانی.
۳. «علم و عقل از نگاه مکتب تفکیک»، سیدعباس مرتضوی.
۴. «آیین و اندیشه؛ بررسی مبانی و دیدگاه‌های مکتب تفکیک»، سیدمحمد موسوی.
۵. «نقد و بررسی نظریه تفکیک»، محمدرضا ارشادی‌نیا.
۶. «روایای خلوص یا رخوانی مکتب تفکیک»، سیدحسن اسلامی.
۷. «بنیان مرصوص فلسفه اسلامی از نگاه مکتب تفکیک»، حسین مظفری.

سپاس

اکنون شایسته است از همه کسانی که در رشد و تربیت بنده نقش داشته‌اند سپاس‌گذاری نمایم؛ پدر و مادرم که با رزق حلال و شیر زلال، محبت محمد و آل (علیهم‌السلام) را در دلم رویاندند؛ همسر گرامی و فرزندان عزیزم که در راه

۱. این کتاب به صورت مجموعه مقالات است که بخشی از آن به نقد دیدگاه‌های میرزا مهدی اصفهانی در «ابواب‌الهدی» اختصاص دارد.

تحصیل، تحقیق و تدریس معارف دینی یاورم بودند؛ اساتید بزرگواری که حکمت و معرفت را نزد ایشان آموختم و زبان از ستایش ایشان کوتاه است؛ حجج اسلام حیدر ضیائی، داود صمدی، به‌ویژه حکیم الهی و مربی توحیدی حضرت استاد محمود امامی. هم‌چنین از راهنمایی‌های استاد محمدحسین نائیکی و مشاوره‌های استاد سید یدالله یزدان‌پناه که به اتقان اثر انجامید، سپاسگزارم. روشن است که مربی و معلم حقیقی خداست و دیگران همگی واسطه‌های فیض‌اند که تشکر از ایشان شکر خدای منان است.

روح‌الله سوری